

شهید مطهری یک بازوی قوی برای امام خمینی بود

(مصاحبه با دکتر علی مطهری)

اشاره: آقای دکتر علی مطهری، فرزند سوم استاد شهید مرتضی مطهری است که پس از سالها فعالیت در حوزه فرهنگی و دانشگاهی کشور در سال ۱۳۸۶ وارد عرصه سیاست شد. وی در دوره هشتم انتخابات مجلس شورای اسلامی توانست آراء لازم را از حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر کسب کند و به عنوان نفر سوم از سی نفر این حوزه وارد مجلس هشتم شود. ایشان به دلیل سوابق فرهنگی خود به عضویت کمیسیون فرهنگی مجلس درآمد. آقای مطهری علاوه بر حضور در مجلس، عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و مدیر انتشارات صدرا (مرکز نشر آثار استاد مطهری) است. مصاحبه حضور را با ایشان در پی می خوانید.

حضور: ضمن تشکر، برای شروع مصاحبه، مناسب است قدری از زندگی و فعالیتهای خود

بیان بفرمایید.

آقای دکتر علی مطهری: من متولد بهمن ماه ۱۳۳۶ هستم. در سال ۱۳۵۵ در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه تبریز وارد تحصیلات دانشگاهی شدم. بعد از شهادت پدرم در سال ۱۳۵۸ لازم بود آثار وی تدوین شود و کسی متولی این کار باشد. به غیر از من کس دیگری نبود که این مهم را به عهده گیرد. برای انجام این کار از دانشگاه تبریز به دانشگاه علم و صنعت ایران منتقل شدم و





□ کار اصلی من در این چند سال اخیر، تدوین آثار شهید مطهری بوده است و در حال حاضر ۹۰ جلد از کتابهای ایشان منتشر شده است. قبل از شهادت ایشان فقط ۲۹ جلد از آثارشان چاپ شده بود

دو ترم را در این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشتم که مسئله انقلاب فرهنگی پیش آمد. در این فاصله این احساس در من به وجود آمد که بهتر است رشته تحصیلی خود را تغییر دهم. با اینکه ۸۱ واحد درسی را گذرانده بودم رشته مکانیک را رها کردم و وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شدم و تحصیل در رشته الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. بعد از پایان دوره کارشناسی در سال ۱۳۶۵ رشته فلسفه و کلام اسلامی را در مقطع کارشناسی ارشد شروع کردم و پس از پایان دوره کارشناسی ارشد، در مقطع دکتری پذیرفته شدم. در این مقطع، سرکار خانم دکتر مصطفوی

(فرزند امام خمینی) همدوره ما بودند. در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دکتری شدم و در همان دانشکده به تدریس پرداختم. اکنون نیز علاوه بر فعالیت دانشگاهی و کار تنظیم و نشر آثار استاد مطهری، در مجلس شورای اسلامی نیز به خدمت اشتغال دارم.

کار اصلی من در ۳۱ سال اخیر، تدوین آثار شهید مطهری بوده است و در حال حاضر بیش از ۹۰ جلد از کتابهای ایشان منتشر شده است. قبل از شهادت ایشان فقط ۲۹ جلد از آثارشان چاپ شده بود. تعدادی از کتابهای ایشان نیز باقی مانده است که در آینده منتشر خواهد شد.

حضور: قدری از خانواده و فرزندان شهید مطهری بفرمایید.

دکتر مطهری: شهید مطهری دارای هفت فرزند به ترتیب به نامهای مجتبی، حمیده، علی، سعیده، فریده، وحیده و محمد است که از این میان، محمد در کسوت روحانیت است و بیشترین شباهتها را به استاد دارد. من دارای چهار فرزند به نامهای مرتضی، رضا، لیلا و زهرا هستم. البته بجز فرزند من، شهید مطهری دارای دو نوه دیگر به نام مرتضی هستند. یکی از فرزندان دکتر علی لاریجانی و همچنین یکی از فرزندان برادرم محمد، مرتضی نام دارند.

صدرا هادی زاده که نوه دختری استاد است بزرگترین نوه پدرم است و در زمان حیات خود ایشان به دنیا آمد و اسم ایشان را پدر به یاد ملا صدرا شیرازی «صدرا» انتخاب کردند. او در حال حاضر روحانی با استعدادی است و از لحاظ رفتار و منش شباهتهایی به شهید مطهری دارد.

حضور: جنابعالی حتماً از ارتباط فکری و روحی شهید مطهری و امام خمینی اطلاعات زیادی

دارید. مهمترین نکاتی که در این خصوص می دانید چه چیزهایی است؟

دکتر مطهری: می توان ادعا کرد اولین کسی که امام را کشف کرد و فهمید که ایشان یک شخصیت بزرگ است شهید مطهری بود. اشخاص مختلفی از جمله آیت الله منتظری این موضوع را تأیید کرده اند. ایشان می گوید در دوره طلبگی که ما هم مباحثه بودیم شهید مطهری می گفت «هنوز حوزه علمیه قم و طلاب، حاج آقا روح الله را نمی شناسند. ایشان در آینده گل خواهد کرد.»



این پیش‌بینی شهید مطهری به واقعیت پیوست. شهید آیت‌الله مطهری و مرحوم آیت‌الله منتظری در معرفی امام به حوزه علمیه نقش زیادی داشتند و در فراهم کردن مقدمات مرجعیت امام خمینی مؤثر بودند. می‌دانیم اشخاص بزرگی همچون امام خمینی که از هوای نفس به دورند خودشان به سراغ مرجعیت نمی‌روند. معمولاً شاگردان آنها پیشقدم می‌شوند و این بزرگواران را به حوزه علمیه معرفی می‌کنند، مقدمات درس خارج فقه و اصول را برایشان آماده می‌کنند تا کم‌کم بین طلاب شناخته شوند و زمینه مرجعیت آنان فراهم گردد.

شهید مطهری از علاقه‌مندان به درس اخلاق امام خمینی بود و در آثار وی آمده است که بخشی از تحولات روحی شخصیت ایشان در همان درسهای اخلاق امام شکل گرفته است. شهید مطهری می‌گوید پس از برگزاری هر جلسه آن درس اخلاق تا هفته بعد تحت تأثیر این درس بودم. در مقدمه کتاب علل گرایش به مادیگری می‌گوید: "براستی که او روح قدس الهی بود". پدرم الهیات شفای بوعلی را نزد امام خوانده بود و از لحاظ روحی هم تحت تأثیر ایشان بود.

امام خمینی هم شهید مطهری را خوب می‌شناخت و به همین خاطر خیلی از ایشان تجلیل کرده‌اند و این صرفاً به خاطر مقام علمی آن شهید نبود. پدرم ۱۲ سال شاگرد امام بود و ارتباط روحی نزدیکی با ایشان داشت به گونه‌ای که امام به حجره ایشان رفت و آمد داشت. امام خمینی تعبیرهایی درباره شهید مطهری به کار برده‌اند که در باره هیچ کس به کار نبرده‌اند. امام از نظر فکری و روحی و تقوا به شهید مطهری اعتماد داشتند و معتقد بودند شهید مطهری کارش را برای رضای خدا انجام می‌دهد و اگر نظری یا پیشنهادی دارد برای خودش نیست. این است که امام خیلی راحت سخن شهید مطهری را قبول می‌کردند. شهید مفتاح در یکی از سخنرانیهایش که ظاهراً در چهلم شهید مطهری بود گفت ما هر وقت حرفی داشتیم به شهید مطهری می‌گفتم تا به امام بگویم چون می‌دانستیم امام ایشان را قبول دارد و سخنش را می‌پذیرد.

حضور: دیدگاه شهید مطهری در باره گروههایی که قبل از انقلاب اسلامی با رژیم شاه

مخالفت می‌کردند چه بود؟

دکتر مطهری: شهید مطهری معتقد بودند که نهضت باید در مسیر اسلام حرکت کند و هدف صرفاً سرنگونی شاه نیست بلکه هدف تأسیس نظام اسلامی است. مهم این است که بعد از شاه چه کسانی می‌خواهند حکومت را به دست گیرند و چه نظامی روی کار می‌آید. قبل از پیروزی انقلاب این مسأله میان نیروهای انقلابی بسیار پیچیده بود و به این راحتی که امروز ما فکر می‌کنیم نبود. عده‌ای از انقلابیون مسلمان معتقد به همکاری با مارکسیستها بودند. عده‌ای از مجاهدین خلق طرفداری می‌کردند و می‌گفتند که بالاخره اینها به نام اسلام قیام کرده‌اند و باید در سرنگونی شاه با اینها همکاری کرد. تنها کسی که از میان یاران امام از حدود سال ۱۳۴۹ محکم و قاطعانه ایستاده بود و می‌گفت با مجاهدین خلق و مارکسیستها همکاری نخواهیم کرد شهید مطهری بود. در آن زمان امام در نجف بودند و خیلی از دانشجویان و دانشگاہیان و روحانیون ایشان را به خوبی نمی‌شناختند. این وضع تا ماهها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. بعد از آغاز دوره جدید نهضت اسلامی در سال ۵۶ شهید مطهری روی موضع خود ایستادند و گفتند که باید از همین الان راه خودمان را از این گروهها جدا کنیم زیرا راه آنها مارکسیسم و تز اسلام منهای روحانیت است. در آن زمان این نظر حتی برای خیلی از بزرگان قابل قبول نبود. به هر حال شهید مطهری از همان زمان، دشمنان و مخالفین زیادی داشت. علاوه بر نظام شاه و ساواک، گروههایی مانند مجاهدین خلق و مارکسیستها و برخی روشنفکران مسلمان با ایشان مخالف بودند. شهید مطهری در نامه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به امام نوشتند به صراحت راجع به این مخالفان با امام سخن گفتند. ایشان نوشتند گروههای چهارگانه فوق شامل مجاهدین خلق و کمونیستها و طرفداران تز اسلام منهای روحانیت و ساواک همه علیه من فعالیت می‌کنند ولی به فضل خدا در مقابل همه آنها ایستاده‌ام و تا زمانی که شما صلاح بدانید من ایستاده‌ام.

امام خمینی به طور کامل از این موضع شهید مطهری آگاه بود. امام می‌دانست که آن شهید نسبت به انحراف فکری نهضت اسلامی حساسیت زیادی دارد، خیلی خوب این انحرافات را تشخیص می‌دهد و با آن مبارزه می‌کند. امام در مورد ایشان می‌گوید: "مردی که با انحرافات مبارزه سرسختانه کرد". وقتی امام می‌خواست شورای انقلاب را تشکیل دهد به شهید مطهری



□ می‌توان ادعا کرد اولین کسی که امام را کشف کرد و فهمید که ایشان یک شخصیت بزرگ است شهید مطهری بود

□ شهید مطهری از علاقه‌مندان به درس اخلاق امام خمینی بود و در آثار وی آمده است که بخشی از تحولات روحی شخصیت ایشان از همان درسهای اخلاق امام، شکل گرفته است

گفتند افراد را انتخاب کند، چون می‌دانستند که ایشان همه افراد را به خوبی می‌شناسد و نسبت به انحرافات حساسیت دارد. در واقع امام اولین سنگ بنای نظام جمهوری اسلامی را به دست شهید مطهری بنا نهادند.

حضور: بیشترین عاملی که اسباب اعتماد حضرت امام به شهید مطهری می‌شد چه بود؟
دکتر مطهری: تقوای آن شهید، مکتب شناسی ایشان و حساسیت وی نسبت به انحرافات از عوامل اصلی اعتماد امام به شهید مطهری بود. از زمانی که امام به ترکیه تبعید شدند ارتباط و تماس میان آن شهید و امام خمینی از طریق پیام و نامه وجود داشت. آقای طاهری خرم‌آبادی از انتقال این پیامها و نامه‌ها خاطرات زیادی دارد. در سال ۵۵ پدرم سفری به عراق داشتند و در نجف با امام و بعضی مراجع دیگر ملاقات کردند. در همین سفر بود که امام خمینی به شهید مطهری گفتند ریشه این شجره خبیثه (رژیم شاه) از زمین بیرون آمده است، دست به دست هم بدهید و آن را ساقط کنید. شهید مطهری این پیام را به دوستان رساندند.

بعد از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی (فرزند ارشد امام) که امام آن را از الطاف خفیه الهی می‌دانست نهضت اسلامی در مسیر خودش قرار گرفت و آن خطراتی که وجود داشت و

شهید مطهری خیلی نگران آن بود تا حدی رفع شد. افکار مارکسیستی در بین انقلابیون مسلمان و حتی روحانیون نفوذ کرده بود و شهید مطهری از این بابت خون دل می خورد. این گروهها آیات قرآن کریم را تفسیر مادی می کردند و مفاهیم اسلامی را با برداشت مارکسیستی بیان می نمودند. مثلاً مارکسیستها اقتصاد را زیر بنای تحولات اجتماعی معرفی می کردند. می گفتند پیغمبر اسلام (ص) فرمود «من لا معاش له لا معاد له» پس اسلام هم زیر بنا را اقتصاد می داند.

حضور: قبل از انقلاب، برخورد شهید مطهری با چنان گروههایی در عمل چگونه بود؟
دکتر مطهری: برخی از دوستان استاد مطهری معتقد بودند که در مبارزه با رژیم شاه باید با مارکسیستها همکاری نمود. می گفتند ما یک رقیب و یک دشمن داریم، رقیب ما مارکسیستها و دشمن ما شاه است. ولی شهید مطهری معتقد بودند که ما دو دشمن داریم: شاه و مارکسیستها. می فرمودند مارکسیستها نیز دشمن ما هستند و در صورت پیروزی بر شاه، ما را از بین می برند. ما هم اگر پیروز شویم اجازه نمی دهیم آنها وارد حکومت شوند. وقتی شهادت فرزند امام اتفاق افتاد و رهبری امام خمینی تثبیت شد شهید مطهری بسیار خوشحال شد چون معتقد بود که امام می آیند و به این مشکلات خاتمه می دهند. در شهادت حاج آقا مصطفی مراسم ترحیمی در مسجد ارک تهران برگزار شد که شهید مطهری خود صاحب عزا بود. آقای حسن روحانی به عنوان سخنران انتخاب شد. شهید مطهری نکات مهمی را به آقای روحانی گوشزد کردند تا ایشان در سخنرانی خود آنها را بیان کند. دوره جدید نهضت اسلامی از شهادت فرزند امام شروع شد. در همان جلسه بسیاری از طرفداران مجاهدین خلق و طرفداران تنز اسلام منهای روحانیت به شهید مطهری توهین می کردند. ولی امام خمینی خوب می دانست که آن شهید چه کار می کند. بعد از آن مجلس، امام نامه ای به پدرم نوشتند و از ایشان خواستند که چون شما با همه رابطه دارید، از قول من از همه اقشار جامعه تشکر کنید.

حضور: موضع شهید مطهری در برابر فدائیان اسلام چه بود و رابطه ایشان با آیت الله

بروجردی چگونه بود؟





□ تقوای شهید، مکتب‌شناسی ایشان و حساسیت وی نسبت به انحرافات از عوامل اصلی اعتماد امام به شهید مطهری بود

□ در شب ۱۵ خرداد شهید مطهری سخنرانی مهیجی علیه شاه انجام داد. همان شب در ساعت یک بامداد مأموران آمدند و ایشان را بازداشت کردند

دکتر مطهری: در دورانی که استاد مطهری طلبه بود و در قم نزد امام درس می‌خواند امام و ایشان برخی نظرات اصلاحی در مورد حوزه علمیه داشتند. شهید در کنار امام تلاش می‌کرد تا حوزه علمیه اصلاح شود اما این کار سخت بود و مقاومتهای زیادی در برابر آن صورت می‌گرفت. بالاخره این مسائل به تیره شدن روابط آیت‌الله بروجردی با امام و شهید مطهری منجر شد. قبل از اینکه آیت‌الله بروجردی به قم بیایند پدرم چون می‌دانست ایشان عالم بزرگی است به بروجرد می‌رفت و پای درس ایشان می‌نشست. شهید حتی در عزیمت آیت‌الله بروجردی به قم مؤثر بود. آیت‌الله مطهری و آیت‌الله منتظری دو شاگرد برجسته آیت‌الله بروجردی بودند. ولی متأسفانه افرادی که در بیت آیت‌الله بروجردی بودند فضایی ایجاد کردند که وی به شهید مطهری بدبین شده بود. فدائیان اسلام اختلافاتی با آیت‌الله بروجردی داشتند. شهید نواب صفوی با خط مشی آیت‌الله بروجردی در مقابل رژیم شاه موافق نبود. فدائیان اسلام معتقد به حرکات تندتری بودند ولی آیت‌الله بروجردی معتقد به حرکات ملایم و معتدل بود. گاهی میان فدائیان اسلام و طرفداران آیت‌الله بروجردی درگیری‌هایی به وجود می‌آمد که شهید مطهری نقش مهمی در آرام کردن فدائیان اسلام داشتند. شهید نواب صفوی علاقه زیادی به پدرم داشت، ایشان را خیلی قبول داشت و همیشه از نظرات شهید مطهری استفاده می‌کرد. به دلیل ارتباط شهید مطهری با فدائیان اسلام تا

حدودی نظر آیت‌الله بروجردی نسبت به ایشان منفی شده بود. آیت‌الله منتظری برای من نقل کرد که در آن ایام شهید مطهری نامه‌ای به من داد که به آیت‌الله بروجردی برسانم تا ایشان از واقعیات مطلع شود، اما آیت‌الله بروجردی نامه را از من نگرفت. این امر نشان می‌دهد که آنقدر فضا را تیره کرده بودند که ایشان حتی حاضر نبود نامه شهید مطهری را بخواند.

برخی نقل کرده‌اند که هجرت شهید مطهری از قم به تهران، در حالی که از مدرسان برجسته حوزه علمیه قم بودند، به خاطر همین بی‌مهری بود که نسبت به ایشان انجام شد. ولی این یک احتمال است. وقتی شهید مطهری تصمیم گرفت به تهران هجرت کند خیلی‌ها در حوزه ناراحت شدند.

حضور: نقش شهید مطهری در قیام ۱۵ خرداد چگونه بود؟ اگر از آن دوران خاطره‌ای دارید

بیان بفرمایید.

دکتر مطهری: در قیام ۱۵ خرداد ایشان نقش مهمی داشت. ایشان به عنوان یک روحانی اهل منبر و مرتبط با توده مردم و نیز مرتبط با دانشگاهیان و روشنفکران در جامعه شناخته می‌شد و با افراد روشنفکری مانند مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی آشنایی و ارتباط نزدیک داشت. انجمن اسلامی پزشکان و مهندسين و انجمن اسلامی تازه تاسیس دانشجویان با ایشان ارتباط داشتند.

در شب ۱۵ خرداد شهید مطهری سخنرانی مهیجی علیه شاه انجام داد و آن حدیث معروف امام حسین علیه‌السلام را خواند که من رأی سلطاناً جائراً... که نوک پیکان حمله متوجه شاه بود. همان شب در ساعت ۱ بامداد مأموران آمدند و شهید مطهری را بازداشت کردند. من آن موقع شش سال داشتم و از آن بازداشت چیز زیادی به خاطر ندارم ولی مادرم تعریف می‌کند که پدرم تازه از سخنرانی آمده بود که چند پلیس آمدند و او را با خود بردند. ما در آن موقع در خیابان ری ساکن بودیم. پدرم گفته بود اجازه دهید تا لباس رسمی خود را بپوشم ولی مأموران عجله داشتند که زودتر ایشان را ببرند. بالاخره به سختی اجازه دادند ایشان لباس روحانی خود را بپوشد. مادرم می‌گوید در آن لحظه به نظرم رسید قبای دیگری به ایشان بدهم چون می‌دانستم که در جیب وی



ممکن است اسناد و مدارکی باشد و همین کار را کردم.

شهید مطهری حدود یک ماه و نیم در زندان بودند و در این مدت علمای بزرگ دیگری همچون آقایان فلسفی، و مکارم شیرازی با ایشان هم بند بودند. جمع خوبی شده بودند و در آنجا با هم مباحثه علمی داشتند که طبق نقلهای مختلف نقش شهید مطهری در این میان پررنگ بود. زندان تبدیل شده بود به یک محفل علمی.

بعد از آزادی پدرم، ایشان به مادرم گفتند کار بسیار خوبی کردی که قبای مرا عوض کردی چون در جیب آن مدارکی بود که برایم مشکل ساز می‌شد. بعد از ۱۵ خرداد شهید مطهری با جمعیت مؤتلفه اسلامی ارتباط داشت و یکی از رابطهای این جمعیت با امام بود. بعد از مدتی ترور حسنعلی منصور (نخست وزیر وقت) پیش آمد که شهید مطهری در این واقعه نقش داشت زیرا محمد بخارایی (ضارب منصور) از شاگردان شهید مطهری بود و در دادگاه هم اسمی از شهید مطهری برده بود ولی چون قاضی دادگاه ارادت زیادی به پدرم داشت و ظاهراً در قم پای درس ایشان نشسته بود به بخارایی می‌گوید ساکت باش و به هر حال پدرم از این ماجرا جان سالم بدر برد، در حالی که آیت‌الله انواری که نقش کمتری در این قضیه داشت به ۱۴ سال زندان محکوم شد.

حضور: در باره فعالیت‌های شهید مطهری در سالهای آخر رژیم شاه و دوران پیروزی انقلاب اسلامی چه خاطراتی دارید؟

دکتر مطهری: شهید مطهری در سالهای ۵۵ تا ۵۷ و تا زمان شهادت در اردیبهشت ۵۸ نقش مؤثری در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشت. امام خمینی در آن ایام در خیلی از مسایل با شهید مطهری مشورت می‌کرد و معمولاً دیدگاه‌های ایشان را می‌پذیرفت. مثلاً طرح تأمین سوخت داخل کشور در سال ۵۷ طرحی بود که شهید مطهری به امام پیشنهاد کرد. در آن زمان کارکنان شرکت نفت در اعتصاب بودند و نفت صادر نمی‌شد. پالایشگاه نفت آبادان تعطیل بود و نفت مورد نیاز کشور هم تأمین نمی‌شد. پدرم می‌گفت لزومی ندارد مردم به زحمت بیابند، همین که

صدور نفت متوقف شده است کافی است. ایشان طرحی به امام دادند که هیئتی به خوزستان بروند و مقدمات تأمین نفت داخل کشور را فراهم کنند و افراد آن هیئت را نیز مشخص کردند که آقایان هاشمی رفسنجانی، مهندس بازرگان و مهندس کتیرایی بودند. آنان رفتند و با کارکنان شرکت نفت مذاکره کردند و نفت مصرف داخلی تأمین شد و آثار خوبی داشت.

شهید مطهری می گفت این کار دو حسن دارد: یکی اینکه برای رهبری امام جنبه اثباتی دارد چون تاکنون نهضت جنبه نفی و تخریب وضع موجود داشته است، و دیگر اینکه تز مارکسیستها که اعتقاد داشتند در زمان انقلاب هیچ اصلاحی نباید صورت گیرد تا جامعه به حد انفجار برسد رد می شود. شهید مطهری اعتقاد داشت که انقلاب اسلامی یک انقلاب انفجاری نیست بلکه یک انقلاب آگاهانه است.

اکثر انتصابات که امام در آن دوران انجام دادند از جمله تعیین آقای بازرگان به ریاست دولت موقت، پیشنهاد شهید مطهری بود. ایشان یک بازوی قوی برای امام بود. البته خودشان تمایل داشتند بیشتر به کارهای علمی پردازند و حتی از امام درخواست کردند مسئولیت شورای انقلاب را از ایشان بردارند ولی امام خمینی از ایشان خواستند که چند ماه دیگر به کار خود ادامه دهند. علاقه اصلی پدرم کار علمی بود و تصمیم داشتند به تدریج به حوزه علمیه قم بازگردند و گاهی می گفتند حالت من در دوری از حوزه قم مانند حالت یک ماهی است که بیرون از آب قرار گرفته باشد. البته امام هم مایل بودند که ایشان به حوزه علمیه قم بروند و بنیه علمی حوزه را تقویت کنند و طلبه تربیت نمایند.

امام خیلی به شهید مطهری علاقه داشتند و اینکه بعد از شهادت ایشان گفتند مطهری پاره تن من بود یک تعارف نبود بلکه واقعاً ایشان را پیوسته به خود می دانستند. بعد از شهادت پدرم امام دو روز در مدرسه فیضیه به سوگ نشستند و پیام بلند بالایی در شهادت ایشان دادند که تعبیر قابل توجهی در این پیام هست، از جمله اینکه ایشان را متفکر، فیلسوف، فقیه عالی مقام و فردی که در فنون مختلف اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود معرفی کردند. امام در همین پیام می فرمایند: "مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود رفت و به ملکوت اعلا



□ اکثر انتصابات‌هایی که امام در آن دوران انجام دادند از جمله تعیین آقای بازرگان به ریاست دولت موقت، پیشنهاد شهید مطهری بود

□ امام خیلی به پدرم علاقه داشتند و اینکه بعد از شهادت ایشان گفتند مطهری پاره تن من بود یک تعارف نبود بلکه حاکی از محبت و صمیمیت امام با پدرم بود

پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی‌اش نمی‌رود". در دومین سالگرد شهادت استاد مطهری باز امام پیامی صادر کردند و در آن ایشان را اسلام‌شناس عظیم‌الشان خواندند و در سومین سالگرد نیز در باره شهید مطهری سخن گفتند و آثار ایشان را بی‌استثنا خوب و انسان‌ساز دانستند. امام در باره فرد دیگری این کار را نکرده‌اند.

امام خمینی به مناسبت‌های مختلف از ایشان یاد کرده‌اند. قصد ایشان این بود که یاد و نام و فکر شهید مطهری زنده بماند و فراموش نشود. امام در پیامشان می‌فرمایند من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که نگذارند کتابهای این استاد عزیز با دسیسه‌های غیر اسلامی فراموش شود.

قاتلان شهید مطهری می‌خواستند که نامی از ایشان باقی نماند و راه وی فراموش شود ولی امروز بعد از گذشت ۳۱ سال از شهادت ایشان - همان طور که امام می‌خواست - شاهدیم که نام ایشان همیشه زنده است و استقبال بسیار خوبی از کتابهای ایشان می‌شود.

حضور: امام خمینی همه کتابهای استاد شهید مطهری را مفید می‌دانستند و مطالعه آن را به همه بویژه جوانان توصیه کرده‌اند. به نظر شما در حال حاضر کدام یک از کتابهای ایشان برای مطالعه مفیدتر است؟

دکتر مطهری: من معتقدم که نمی‌توان کتاب خاصی را معرفی کرد. علاقه‌مندان با توجه به موضوعاتی که برایشان اهمیت دارد و مورد سؤال است باید به سراغ کتابهای شهید مطهری بروند. هر فردی خودش باید ببیند چه مسایل و مشکلات فکری دارد و نیاز و عطش روحی خودش چیست و بعد به کتابهایی از استاد شهید که مناسب حال اوست مراجعه کند. به قول مولانا "آب کم جو تشنگی آور به دست". یکی از گویندگان قدیم تلویزیون می‌گفت که مدت‌ها بود در زندگی به پوچی رسیده بودم و با خودم فکر می‌کردم که زندگی چه هدف و فلسفه‌ای دارد. انگیزه زندگی از من گرفته شده بود و کم کم به سمت خودکشی پیش می‌رفتم تا اینکه به طور اتفاقی کتاب "عدل الهی" شهید مطهری را دیدم و مطالعه کردم. او می‌گفت من این کتاب را به طور کامل خواندم و پس از آن، نوع نگاه و جهان بینی من عوض شد. انگیزه زندگی به من برگشت و دست از افکار منفی و پوچی‌گرایی برداشتم.

به اعتقاد من بسته به اینکه افراد چه شبهات فکری داشته باشند می‌توانند به آثار استاد شهید مراجعه کنند. در عین حال فکر می‌کنم کتاب "آینده انقلاب اسلامی ایران" برای جوانانی که به مسائل اجتماعی و سیاسی می‌اندیشند کتاب خوبی است. ایشان در این کتاب درباره عدالت، آزادی تفکر و بیان، استقلال فرهنگی و مکتبی، دموکراسی، اخلاق و معنویت و پیوند آن با عدالت، نقش روحانیت و مسئله ولایت فقیه بحث کرده‌اند. مطالب این کتاب در فاصله بهمن ۵۷ تا اردیبهشت ۵۸ به صورت سخنرانی یا مصاحبه ایراد شده و از مسئله‌شناسی و آمادگی استاد مطهری برای این مباحث حکایت می‌کند. مثلاً درباره روحانیت می‌گویند واردات فکری جامعه ما در مقایسه با ۵۰ سال قبل خیلی بیشتر شده است، بنابراین روحانیت باید خیلی بیشتر تلاش کند. در این کتاب حتی راجع به اصلاح عزاداریها بحث شده است.

شهید مطهری در مورد نظام حقوقی خانواده و زن در اسلام، اخلاق جنسی و حجاب بحثهای جالبی دارند که البته مخصوص خانمها نیست، آقایان هم باید این مباحث را بخوانند. اگر افراد با دنیای آثار ایشان آشنا شوند و یکی دو کتاب از ایشان را بخوانند دیگر آن را رها نمی‌کنند و به سراغ سایر کتابهای ایشان خواهند رفت. افراد زیادی بوده‌اند که گفته اند در یک مسابقه علمی



□ اگر برخی اوقات من انتقاداتی را به دولت و سایر دستگاهها وارد می‌کنم به خاطر معیارهایی است که از شهید مطهری بدست آورده‌ام. من به افکار ایشان در باره آزادی فکر و آزادی بیان مراجعه می‌کنم

یک کتاب از شهید مطهری خوانده‌اند و آنگاه متوجه شده‌اند که آثار ایشان چه دنیایی است که از آن غافل بوده‌اند.

امام خمینی و رهبر معظم انقلاب چندین بار به مطالعه آثار ایشان توصیه کرده‌اند. کسانی که با آثار ایشان انس داشته‌اند چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن، کمتر دچار انحراف فکری و سیاسی شده‌اند و به ندرت گرفتار گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق و فرقان شده‌اند. اندیشه‌های شهید مطهری می‌تواند به عنوان یک معیار و یک ترازو برای همه مورد توجه قرار گیرد.

حضور: به نظر شما آزادی بیان در اندیشه شهید مطهری چه جایگاهی دارد؟

دکتر مطهری: اگر برخی اوقات من انتقاداتی را به دولت و سایر دستگاهها وارد می‌کنم به خاطر معیارهایی است که از شهید مطهری به دست آورده‌ام. مثلاً به نظرات ایشان در باره آزادی تفکر و آزادی بیان مراجعه می‌کنم و می‌بینم که می‌گویند ما نباید بترسیم که دیگران حرفشان را بزنند. جوانان انقلابی خیال نکنند که با جلوگیری از بیان افکار مخالف، از اسلام دفاع می‌کنند. از اسلام فقط با یک نیرو می‌توان دفاع کرد و آن آزادی دادن به افکار مخالف و پاسخ دادن به آنها است. شهید مطهری اعتقاد داشت که حتی احزاب غیراسلامی باید در جمهوری اسلامی آزاد باشند ولی باید با تابلو و پرچم خودشان جلو بیایند و حرف خود را تحت لوای مکتب خودشان

بزنند و از اسلام مایه نگذارند. مرز این آزادی هم نفاق و نیرنگ است. هر کس باید بتواند حرفش را بزند و ما که داعیه اسلام داریم باید با منطق جواب بدهیم. از نظر استاد شهید در چنین شرایطی گوهر اسلام آشکارتر می‌شود. ایشان حتی درباره به کار بردن الفاظ لاتین حساسیت داشتند و با این امر که بعضی می‌خواستند الفاظ عربی را از زبان فارسی بیرون کنند مخالف بودند. خلاصه خیلی از مواردی که من انتقاد می‌کنم به دلیل مطالعه آثار آن شهید و آشنایی با افکار ایشان است.

حضور: با توجه به دیدگاهها و اندیشه‌های استاد شهید، در حکومت و نظام اسلامی، مردم

چه جایگاهی دارند؟

دکتر مطهری: شهید مطهری درباره تعبیر «جمهوری اسلامی» معتقد بودند که کلمه «جمهوری» شکل حکومت و کلمه «اسلامی» محتوای این حکومت را تعیین می‌کند و بین شکل و محتوا نمی‌تواند تناقضی وجود داشته باشد. حاکم به وسیله مردم به طور موقت تعیین می‌شود و حکومت بر اساس احکام و مقررات اسلامی است. چون اکثر قریب به اتفاق مردم ما مسلمان هستند این عین دموکراسی است. به عبارت دیگر التزام به یک مکتب هیچ منافاتی با حق حاکمیت ملی ندارد. طبیعی است که نقش مردم در حکومت یک نقش اساسی است. اگر اکثریت مردم آماده همکاری نباشند کاری از پیش نمی‌رود. اگر حکومت مقبولیت مردمی نداشته باشد قابل بقا نیست. در تاریخ اسلام هم می‌بینیم که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام حاکم شرعی بودند اما چون مردم آمادگی نداشتند حکومت ایشان به تأخیر افتاد. زمانی که مردم آمدند خدمت ایشان و از ایشان خواستند که حکومت را بپذیرند، برای حضرت اتمام حجت شد و لذا وارد میدان شدند. مشروعیت ولایت فقیه، مشروعیت حکومت اسلامی و نصب عام ولی فقیه از طرف خداوند است. امام زمان (عج) فقهای جامع‌الشرایط را که مخالف هوای نفسشان باشند و شرایط لازم را داشته باشند نصب عام کردند که می‌توانند مسئولیت اداره جامعه اسلامی را بر عهده بگیرند ولی نصب خاص و تعیین آن شخص بر عهده مردم است. مردم می‌توانند خودشان مستقیماً رهبر را تعیین کنند یا این مسئولیت را با انتخاب خبرگان به آنان واگذار نمایند. مردم علمایی را که فقهای



□ التزام به یک مکتب هیچ منافاتی با حق حاکمیت ملی ندارد. طبیعی است که نقش مردم در حکومت یک نقش اساسی است

□ شهید مطهری بر جمهوری اسلامی خیلی تأکید داشتند. ایشان معتقد بودند که جمهوری اسلامی، شکل و محتوای نظام اسلامی را تعیین می‌کند و بین شکل و محتوا نمی‌تواند تناقضی وجود داشته باشد

جامع‌الشرایط را می‌شناسند انتخاب می‌کنند تا این افراد ولی فقیه و رهبر را مشخص کنند. چون این یک موضوع تخصصی است بهتر است افراد متخصص آن را انجام دهند. بنابراین مشروعیت حکومت اسلامی از طرف خداوند است ولی مقبولیت آن باید از سوی مردم تحقق یابد. هر کدام از این دو نباشد حکومت اسلامی نخواهد بود.

حضور: به نظر شما در چه زمینه‌هایی اندیشه‌های شهید مطهری با اندیشه‌های امام خمینی

تفاوت یا اختلاف داشت؟

دکتر مطهری: به نظر من اندیشه‌های حکومتی و سیاسی امام خمینی و شهید مطهری خیلی به هم نزدیک بود. مثلاً در اوایل انقلاب یکی از بحث‌های مهم این بود که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را بپذیرند یا نه. نظر استاد شهید این بود که روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را نپذیرند مگر اضطراراً، و نظر امام هم همین بود. استدلال شهید مطهری این بود که روحانیت شیعه همیشه مستقل از حکومتها و یک قدرت اجتماعی بوده است. روحانیت شیعه از نظر معنوی متکی به خدا و از نظر اجتماعی متکی به مردم بوده است و به همین دلیل توانسته است در مقابل حکومت‌های ستمگر بایستد و نهضتها و حرکت‌های اجتماعی ایجاد کند. در جمهوری اسلامی هم باید روحانیت این حالت خودش را حفظ کند و وارد دولت نشود. روحانیت باید بتواند دولت را هدایت کند و از

دولت انتقاد کند. نظر امام خمینی هم همین بود. البته در عمل، بعد از مسایلی که پیش آمد، از روی اضطرار و برای مدت موقت از روحانیون برای پست‌هایی مانند ریاست جمهوری استفاده شد. شهید مطهری نیز گفته بود روحانیون پست‌های اجرایی دولتی را نپذیرند مگر اینکه افراد غیر روحانی صالح برای آن پست وجود نداشته باشد. بعد از تجاربی که در دوران بازرگان و بنی‌صدر حاصل شد، امام به این نتیجه رسیدند که به طور موقت یک روحانی پست ریاست جمهوری را قبول کند. همچنین امام خمینی در خصوص تأسیس حزب توسط روحانیون خیلی موافق نبودند و شهید مطهری هم همین نظر را داشتند. وقتی که حزب جمهوری اسلامی که مؤسسين آن همه روحانی بودند می‌خواست شکل بگیرد امام خمینی و شهید مطهری با آن موافق نبودند. ولی مؤسسين حزب جمهوری اسلامی بر تأسیس آن پافشاری کردند و در نهایت امام قبول کردند. اما پس از مدتی و بعد از حادثه هفتم تیر امام خمینی این حزب را منحل اعلام کردند.

اگر شهید مطهری فرصت می‌یافت و به حوزه باز می‌گشت قطعاً کار ایشان منحصر به فلسفه نمی‌شد و وارد حوزه فقه و اصول هم می‌شدند. آن موقع ممکن بود برخی اختلافات در پاره‌ای از مسایل با امام پیدا کنند که این امر در حوزه علمیه و در مسائل علمی طبیعی و رایج است.

حضور: به نظر شما حفظ و ترویج آثار و اندیشه‌های امام خمینی و بزرگانمانند شهید مطهری تا چه اندازه ضروری است و چه تأثیری در حال و آینده کشور ما دارد؟

دکتر مطهری: در وهله اول باید اصالت آثار چنین بزرگانمان حفظ شود. این‌گونه نباشد که هر کس بتواند در این آثار دست ببرد و آن را مطابق میل خودش تغییر دهد و در نتیجه یک عدم اعتمادی نسبت به آثار آنان ایجاد شود. یعنی حفظ اصالت آثار آنان از ترویج آن مهمتر است. مثلاً در سالهای اول شهادت آیت‌الله مطهری خیلی از نوارهای ایشان در دست مردم بود و بعضی‌ها می‌گفتند ما آنها را پیاده می‌کنیم و تبدیل به کتاب می‌کنیم. ولی اصلاً صلاحیت این کار را نداشتند. خیلی از جاها را متوجه نمی‌شدند و در مجموع مایه آبروریزی بود. بعضی‌ها عمداً در این آثار دست می‌بردند یا اگر چیزی مطابق میلشان نبود آن را حذف می‌کردند. به خاطر همین

□ سخنرانیها و نوشته‌های امام خمینی، اسناد تاریخ ماست. به نظر من مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در کار خود موفق بوده است. اگر این نهاد نبود هر کس برای خودش یک تغییری در آثار امام ایجاد می‌کرد

مشکلات، ما شورایی به نام "شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید مطهری" تأسیس کردیم و کل آثار ایشان را تحت نظارت قرار دادیم. روی تک تک کلمات بررسی می‌کردیم. خوشبختانه در انجام این وظیفه، موفق بودیم و اصالت آثار حفظ شد.

در خصوص آثار امام خمینی هم به طریق اولی حفظ اصالت و ترویج آن بسیار مهم است. سخنرانیها و نوشته‌های امام خمینی اسناد تاریخ ماست. به نظر من مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در کار خود در مجموع موفق بوده است. اگر این نهاد نبود هر کس برای خودش یک تغییری در آثار امام ایجاد می‌کرد.

هنوز امام در قید حیات بودند که با حاج سید احمد آقا صحبت می‌کردم، می‌گفت اخبار و مطالبی را که به نقل از امام برای صدا و سیما ارسال می‌شود با دقت می‌خوانم و ویرایش می‌کنم تا مشکلی ایجاد نشود. مرحوم حاج سید احمد آقا به طور کامل در جریان فعالیت ما در زمینه جمع‌آوری آثار شهید مطهری بود و از دقت نظر ما تقدیر می‌کرد.

به نظر من آثاری که در باره امام و اندیشه امام نوشته می‌شود نیز اهمیت زیادی دارد. باید بر مطالبی که بر اساس منابع اولیه نوشته می‌شود نظارت دقیق صورت گیرد تا نقل قول نادرستی از امام مطرح نگردد. همچنین آثار چنین بزرگانی بایستی به راحتی در دسترس مردم باشد. زندگی امروز ماشینی شده و فرصت افراد برای مطالعه کم است. در شرایط کنونی مردم کمتر رغبت به مطالعه دارند. اگر کتاب در دسترس مردم نباشد ممکن است اصلاً آثار بزرگانی مانند امام و شهید

مطهری مورد مطالعه قرار نگیرد.

کاری که اخیراً شهرداری انجام داده خیلی خوب است که جملاتی از این بزرگان را به صورت تابلو و پوستر در سطح شهر به نمایش می‌گذارد. همین قدر که افراد جمله‌ای از امام یا شهید مطهری ببینند و بخوانند مغتنم است. البته مطالعه آثار آنان بسیار مهمتر است و باید برای مطالعه آنها وقت گذاشت. چنین آثاری به ما کمک می‌کند که راه درست را تشخیص بدهیم و از اهداف انقلاب اسلامی دور نشویم.

حضور: به نظر شما امروزه ما از کدام یک از محورهای اندیشه حضرت امام دور شده ایم یا آنها را مورد غفلت قرار داده‌ایم و چاره چیست؟

دکتر مطهری: در دوره‌های مختلف سیاسی کشور این بی‌توجهی به اندیشه‌های امام خمینی متفاوت بوده است. در دوره اصلاحات به برخی از آرمانهای امام بی‌مهری شد و امروز هم به برخی دیگر از اندیشه‌های ایشان بی‌مهری می‌شود. به اعتقاد من در شرایط فعلی نسبت به حساسیتهای فرهنگی که امام داشتند توجه کافی نداریم. امام نسبت به نفوذ فرهنگ غربی در کشور بسیار حساس بودند و بارها در این خصوص هشدار دادند. به یاد دارم که ایشان یک بار فرمودند اگر می‌شد که ما دیواری به دور کشور بکشیم تا انحرافات غرب به ما سرایت نکند این کار را می‌کردیم. گاهی سبک زندگی غربی در ما رسوخ پیدا می‌کند و طبعاً مشکلاتی که آنها خودشان دارند برای ما نیز به وجود می‌آید. مثلاً افزایش طلاق در کشور ما بر اثر رواج سبک زندگی غربی است.

حضور: شما در دو سال گذشته که در مجلس شورای اسلامی حضور داشتید بعضی اوقات از مسئولان کشور به ویژه مسئولان اجرایی در موارد مختلف انتقاد کرده‌اید. هر چند قبلاً در این مورد اشاراتی کرده‌اید ولی بیشتر توضیح بفرمایید که انتقاد از مسئولان در منظر امام خمینی و شهید مطهری چه ویژگیهایی دارد؟

دکتر مطهری: گاهی که به عملکرد دولت انتقاد می‌کنیم یک عده ناراحت می‌شوند. به نظر من یکی از وظایف نماینده مجلس، نظارت بر عملکرد دولت و انتقاد از نقاط ضعف دولت است.



□ نماینده باید آنچه را حق است بیان کند و از حقوق مردم دفاع کند. نماینده مجلس، وکیل ملت است نه وکیل دولت

□ سالگرد ۱۵ خرداد باید همیشه زنده بماند تا مردم جنایات رژیم شاه و حوادثی مانند کاپیتولاسیون و سایر فشارهای استعمارگران را فراموش نکنند

البته گاهی تعریف از کارهای خوب دولت هم لازم است. ولی در هر حال انتقاد از دولت باید بیشتر از تعریف از دولت باشد. نقد منصفانه و دلسوزانه را همه قبول دارند. ما نباید همه نقدها را به معنای دشمنی بگیریم. نقد همه جا رایج است، در آثار علمی و در حوزه‌های علمیه رایج است. وجود نقد و ارزیابی عملکردها باعث می‌شود که زمینه حل مشکلات فراهم آید. اگر فضای انتقاد موجود نباشد بسیاری از تخلفات کتمان می‌شود و پنهان می‌ماند و حقوق مردم از بین می‌رود.

بعد از خاتمه جنگ تحمیلی به سبب فضای خاصی که به وجود آمد آزادی بیان در حد مطلوبی نبود و حوادثی مانند قتل‌های زنجیره‌ای اتفاق افتاد. اگر فضا برای رسانه‌ها باز بود تا به راحتی بتوانند انتقاد کنند کار به آنجاها کشیده نمی‌شد. انتقاد باعث می‌شود مقامات و مسئولان دولتی مواظب کارهای خود باشند و جلوی خیلی از تخلفات گرفته می‌شود. در کشورهایی که فضای انتقاد باز است گاهی یک خبرنگار باعث استعفای یک وزیر می‌شود مانند موردی که در کشور آلمان شاهد بودیم. اینکه گفته‌اند رسانه‌ها رکن چهارم دموکراسی هستند حرف درستی است. فشار افکار عمومی در بسیاری از مسایل، سازنده است. اگر رسانه‌های آزاد و منتقد نباشند دولت قطعاً دچار انحراف می‌شود. نظارت بر اجرای امور، موضوع بسیار مهمی است که ما باید به

آن عادت کنیم. انتقاد از دولت و مقامات باید برای ما خیلی عادی باشد ولی این انتقادهای باید سازنده هم باشد.

شهید مطهری در کتاب "پاسخهای استاد" جمله پرمغزی دارند، می‌گویند هر مقام غیر معصومی اگر در جایگاه غیر قابل انتقاد قرار بگیرد هم خودش فاسد می‌شود و هم جامعه. این موضوع خیلی مهم است. نقد را باید جدی بگیریم تا قدرت ما دچار فساد نشود. سؤال از وزیر و رئیس‌جمهور باید خیلی عادی باشد، در حالی که فعلاً هر وقت بحث سؤال از رئیس‌جمهور مطرح می‌شود مسائل سیاسی هم مطرح می‌شود و عده‌ای می‌گویند که اینها می‌خواهند دولت را زمین بزنند، اینها یک باند هستند که قصد تخریب دولت را دارند. هر وقت رهبری از رئیس‌جمهور حمایت کند می‌گویند دیگر نباید از رئیس‌جمهور انتقاد کرد. این، نگاه کودکانه‌ای است. هدف از این نگاه، بستن راه انتقاد در کشور است. اگر رهبری کوچکترین حمایتی از رئیس‌جمهور بکند آن را بهانه قرار می‌دهند که دیگر هیچ‌کس نباید حرفی بزند در حالی که این یک اشتباه بزرگ است. رهبری وظایفی دارد و دیگران وظایف خود را دارند. چه بسا موضوعی را صلاح نباشد رهبر بگوید ولی لازم باشد یک نماینده مجلس مطرح کند.

حضور: با توجه به آنچه مطرح کردید از دیدگاه شما یک نماینده مجلس بایستی چه ویژگی‌هایی داشته باشد.

دکتر مطهری: نمایندگان مجلس دو وظیفه قانونگذاری و نظارت را برعهده دارند. قانونگذاری کار سخت‌تری است. ولی ما به آسانی می‌توانیم عملکرد مسئولان اجرایی را نظارت کنیم و ایرادات را به آنها تذکر دهیم. البته مجلس هشتم در بعد نظارتی خود خیلی قوی عمل نکرده است و بایستی در این عرصه مقتدرتر عمل کند. کار یک نماینده این نیست که بیاید برای مردم حوزه انتخابیه خود وام جور کند و برای آنها کار پیدا کند. این تصور و توقعی که الان بعضی‌ها از نمایندگان مجلس دارند کاملاً اشتباه است. نمایندگان شهرستانی در این زمینه مشکلات بیشتری دارند و همیشه تعداد زیادی ارباب رجوع دنبال آنهاست که خواسته اصلی‌شان کار و وام



□ روشی که در سال گذشته در کشور باب شد در شأن مردم ایران نیست. اینکه خیلی زود افراد را متهم به ارتباط با بیگانگان کنیم و برچسب‌هایی مانند توطئه و براندازی و آشوبگری به افراد بزنیم کار درستی نیست

است. این تصور باید تغییر پیدا کند. البته یک نماینده به تعبیر حضرت علی علیه‌السلام نباید اهل مصانع باشد و با کسی نباید رودربایستی داشته باشد. ملاحظه‌کاری در کار نمایندگی به وظیفه اصلی نماینده لطمه وارد می‌کند. نماینده باید آنچه را حق است بیان کند و از حقوق مردم دفاع نماید. نماینده مجلس، وکیل ملت است نه وکیل دولت.

حضور: این شماره حضور ان شاء الله در خرداد ماه سال جاری منتشر خواهد شد. چنانچه در رابطه با ۱۵ خرداد سال ۴۲ که در واقع آغاز مرحله اول انقلاب اسلامی است خاطره یا مطلبی دارید بیان بفرمایید.

دکتر مطهری: من در روز ۱۵ خرداد ۴۲ فقط شش سال داشتم. ولی به یاد دارم که از داخل کوچه و اطراف منزل ما صدای شلیک گلوله و تیراندازی می‌آمد. بعد از اینکه پدرم از زندان آزاد شد یادم هست که مردم گروه گروه به خانه ما می‌آمدند و با ایشان ملاقات می‌کردند. در آن ایام این شعار در کشور رایج بود که: "خمینی خمینی، تو فرزند حسینی، بمیرد بمیرد دشمن خونخوار تو، ملت طرفدار تو" من هم با آن بچگی اینها را می‌خواندم و شهید مطهری نیز صدای مرا ضبط کرده است. دیگران به من می‌گفتند این شعر را در کوچه نخوانی.

۱۵ خرداد شروع نهضت امام خمینی بود. در آستانه پیروزی انقلاب عده‌ای می‌خواستند نقطه شروع نهضت را سال ۱۳۳۲ و جریان ملی شدن صنعت نفت قرار دهند و به انقلاب اسلامی یک جنبه ملی بدهند. شهید مطهری شدیداً نسبت به این موضوع حساس بود و می‌گفت که شروع نهضت از ۱۵ خرداد است. امام هم همین نظر را داشتند. ماهیت نهضت، اسلامی بود و هیچ کس

نمی‌توانست منکر این موضوع شود. ما باید اتفاقات نهضت را برای مردم و برای نسل جوان زنده کنیم تا بدانند فلسفه وجودی این انقلاب چیست و اگر انقلاب نمی‌شد چه اتفاقاتی می‌افتاد. در آن زمان ملت ایران هیچ نداشت و همه چیز مردم در کنترل آمریکا بود. سالگرد ۱۵ خرداد باید همیشه زنده بماند تا مردم جنایات رژیم شاه و حوادثی مانند کاپیتولاسیون و سایر فشارهای استعمارگران را فراموش نکنند.

حضور: در ۱۵ خرداد کودک بودید ولی در زمان پیروزی انقلاب جوانی بودید که در کنار شهید مطهری رشد می‌کردید. از این دوران- خصوصاً در باره امام خمینی و شهید مطهری- چه خاطره‌ای دارید؟

دکتر مطهری: در روز ۲۱ بهمن سال ۵۷ که رژیم شاه حکومت نظامی اعلام کرد شهید مطهری خدمت امام بود. در آن روزها ایشان همواره در کنار امام و مراقب بودند چه کسانی به ملاقات امام می‌آیند. ایشان نقل می‌کردند که بعد از اعلام حکومت نظامی، من بادم و امام. از امام پرسیدم مردم چه باید بکنند؟ ایشان گفتند مردم نباید به حکومت نظامی اعتنا کنند و باید به خیابانها بیایند. گفتم خوب است این مطلب را به صورت اعلامیه بنویسید تا در سطح شهر با بلندگو برای مردم بخوانند. همین کار انجام شد و بسیار موثر بود.

حضور: در سال گذشته بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری شاهد برخی اتفاقات ناگوار در کشور بودیم. برای جلوگیری از این حوادث تلخ، توصیه شما به مسئولان نظام چیست؟

دکتر مطهری: ما باید اندیشه و سیره امام و بزرگانی همچون شهید مطهری را به طور کامل درک و به آن عمل کنیم. نباید فقط قسمتی از افکار آنها را در نظر گرفت و به بقیه بی‌توجه بود. احترام به مردم باید بیشتر مورد تأکید و عمل مسئولان قرار گیرد. نگاه به مردم باید نگاه محبت‌آمیز باشد و توأم با بدبینی نباشد. روشی که در سال گذشته در کشور باب شد در شأن مردم ایران نیست. اینکه خیلی زود افراد را متهم به ارتباط با بیگانگان کنیم و برچسبهایی مانند توطئه و براندازی و آشوبگری به افراد بزنیم کار درستی نیست. ما باید با مردم صحبت کنیم و آنها را قانع



□ دشمنان انقلاب همیشه به دنبال این هستند که انقلاب ما را ساقط کنند اما اینکه هر انتقادی را با نقشه‌های بیگانگان مرتبط کنیم کار نادرستی است. آن وقت دیگر کسی جرأت نمی‌کند حرفی بزند

کنیم. باید حرفهای آنها را بشنویم. فرضاً سران معترضان وابسته به بیگانه باشند و قصد براندازی داشته باشند، حساب مردمی که خیال می‌کردند واقعاً تقلب شده و طرفدار نظام و رهبری بودند از حساب آنها جداست. به اعتقاد من فضایی که در یک سال اخیر در کشور ایجاد شد فضای مناسبی نبود و نیست. متأسفانه مطبوعات را خیلی زود توقیف می‌کنند و صدا و سیما هم فضای مناسبی برای اظهار نظر افراد مختلف نبوده است. من نمی‌گویم هیچ جایی نباید خشونت باشد، ولی به نظر من با مردم معترض به اندازه کافی صحبت نشد و آنها را قانع نکردیم و قبل از اتمام حجت با آنها شدت عمل به خرج داده شد. با گروه سبز یا گروه معترض به اندازه کافی صحبت نشد. باید مسئولان آنها را مورد توجه قرار می‌دادند و آنها هم می‌توانستند بیایند و حرفهایشان را بزنند و ما هم جواب می‌دادیم. البته در چنان شرایطی عده‌ای برای مقاصد خود در پی آشوب هستند، دولت نمی‌تواند دست روی دست بگذارد و بگوید بیایید هر کاری دوست دارید انجام دهید.

می‌خواهم بگویم مدیریت این بحران ضعیف بود و باید به گونه‌ای مدیریت می‌شد که نیاز به ورود رهبری پیدا نمی‌شد. اگر در آینده اتفاقاتی شبیه این بروز کند ما باید منطقی‌تر عمل کنیم. خیلی زود نباید وحشت کنیم زیرا این انقلاب ریشه‌های محکمی دارد و به این راحتی از بین نمی‌رود. مردم ما مردم خوبی هستند. ما باید با آنها حرف بزنیم و آنها را قانع کنیم. امام هم همین‌طور بود و دوست داشت که مردم خودشان به نقطه مورد نظر برسند. اگر فتنه‌ای در کشور وجود داشت امام آنقدر صبر می‌کرد تا مردم به نقطه برخورد برسند. مثلاً در سال ۱۳۶۰ در مورد

مجاهدین خلق امام خیلی سکوت کرد و ایستاد تا کار به جایی رسید که خود مردم گفتند این گروه باید جمع شود.

مردم ممکن است در مقطعی تحت تأثیر تبلیغات قرار گیرند و دچار اشتباه شوند ولی چنین چیزی موقتی است. البته دشمنان انقلاب همیشه به دنبال این هستند که انقلاب ما را ساقط کنند اما اینکه هر انتقادی را با نقشه‌های بیگانگان مرتبط کنیم کار نادرستی است. آن وقت دیگر کسی جرأت نمی‌کند حرفی بزند. به نظر من مدیران بحران و حوادث بعد از انتخابات سال گذشته باید حساب مردم را از فتنه گران جدا می‌کردند. فرضاً مردم باور کرده باشند که در انتخابات تقلب شده، با آنها نباید مانند آشوبگران رفتار کنیم. مردم را باید قانع کنیم. امیدوارم این تجربیات برای آینده انقلاب مفید باشد.

مصاحبه‌کننده: سید مسعود حسینی

